

# جایگاه امنیت

## در اندیشه سیاسی اسلام و امام خمینی (ره)

سید حسین ولی پور زرومی

### مقدمه

جمهوری اسلامی ایران نخستین حکومتی است که در عصر جدید، داعیه پیروی و اعمال اصول اسلامی در سیاست را دارد. پایه‌های اعتقادی این حکومت، برگرفته از تفسیری خاص از اسلام می‌باشد. به قول «فرد هالیدی»، انقلاب اسلامی ایران نخستین انقلاب در تاریخ جدید (پس از انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹) می‌باشد که ایدئولوژی حاکم، شکل سازمان، اعضای رهبری کننده و هدفهای اعلام شده آن، هم در ظاهر و هم در باطن، مذهبی بوده است.<sup>(۱)</sup> نظام حاصل از این انقلاب نیز کاملاً بر پایه‌های ایدئولوژی اسلامی استوار گردیده است. بنابراین، طرح مقولات در عرصه سیاست و حکومت ج.ا.ا بدون یاد آوری و تبیین جنبه اسلامی آن، نامفهوم خواهد بود. بدین منظور، در ابتدای این بحث تلاش می‌شود تا جایگاه بحث امنیت در اسلام مشخص گردد و پس از آن، دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در خصوص این مسأله مورد بررسی قرار گیرد.

مباحث مربوط به دیدگاه امام خمینی (ره) از آنجایی در ادامه بحث امنیت در اسلام

مورد توجه قرار می‌گیرد که در واقع، اندیشه‌های سیاسی و حکومتی امام، بازتاب تفسیر ایشان از سیاست و حکومت در اسلام می‌باشد. امام خمینی (ره) با توجه به دیدگاه ویژه‌ای که در خصوص حکومت اسلامی داشتند و تمامی تلاش خود را در دوران مبارزات و استقرار نظام، صرف پیاده نمودن آن نمودند، در زمینه مفاهیمی چون امنیت و منافع ملی نیز دارای تفسیر مذهبی ویژه خود بودند. این تفسیر به طور همه جانبه، مباحث سیاسی و حکومتی نظام را در دوران بیست ساله عمر آن مورد تأثیر خود قرار داده است. با توجه به این مسأله طرح بحث امنیت در جمهوری اسلامی بدون فهم دیدگاه‌های امام ناقص خواهد ماند. لذا بررسی دیدگاه‌های کلی اسلام و اندیشه‌های سیاسی امام در این خصوص می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به بحث امنیت در جمهوری اسلامی ایران باشد.<sup>(۲)</sup>

نکته دیگری که در این مقاله لازم به یادآوری است، مفهوم امنیت می‌باشد. آنچه که امروزه در مباحث سیاسی، خصوصاً در مباحث سیاست خارجی، بیشتر مد نظر می‌باشد، مفهوم «امنیت ملی» است نه فقط «امنیت» تنها. امنیت ملی از مفاهیمی است که عمر چندانی در مباحث سیاسی ندارد. ریشه آن به انقلاب کبیر فرانسه بر می‌گردد؛ زمانی که برای اولین بار واژه‌هایی چون «ملی» و «ملیت»، خلق شده و دارای تعاریف و محدوده‌های ویژه‌ای گشتند. تا امروز این مفهوم دچار تحولات مختلفی شده است که طرح آن در این بحث مقدور نیست.<sup>(۳)</sup> آنچه که می‌توان در اینجا به آن اشاره نمود، این است که امنیت ملی دارای دو بُعد می‌باشد: ۱- بُعد داخلی، ۲- بُعد خارجی. به رغم اینکه نمی‌توان در اسلام تعریف خاصی از امنیت ملی را جست‌جو نمود؛ ولی با معیار قرار دادن «مسأله امنیت»، می‌توان هم برای ابعاد داخلی آن و هم برای ابعاد خارجی آن، دیدگاه‌های مشخصی یافت. در بررسی آرای امام خمینی (ره) نیز در خواهیم یافت که ایشان به گونه‌ای به هر دو جنبه از ابعاد یاد شده امنیت ملی توجه داشتند. برای جلوگیری از اطاله کلام و بدون آنکه مبحثی مستقل در خصوص امنیت آورده شود، به اصل موضوع می‌پردازیم.

## الف - بررسی دیدگاه اسلام:

### ۱- بررسی متون اسلامی

بهترین راه شناخت دیدگاه اسلام راجع به مفهوم امنیت، رجوع به منابع اولیه اسلامی است. قرآن کریم اولین منبع احکام اسلامی است. قرآن، امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت می‌شمارد. قرآن در این باره می‌فرماید:

«خدا به کسانی که از شما بندگان (به خدا و حجت عصر «عج») ایمان آورد و نیکوکار گردد وعده فرمود که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافت دهد، چنانکه اُمم صالح پیامبران سلف، جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است) بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی هیچ شائبه شرک و ریا پرستش کنند (نور ۵۵) و نیز احساس امنیت را از خصایص مؤمن معرفی می‌کند: «اوست خدایی که سکینت و وقار بر دل‌های مؤمنان آورد (فتح ۴). همچنین مداهنه با دشمن و روح سازش را منافی با امنیت می‌داند. «پس تو (و امت ای رسول) هرگز از مردم کافری که آیات خدا را تکذیب می‌کنند، پیروی مکن. کافران بسیار مایلند که تو با آنها مداهنه و مدارا کنی (و معترض بتها ایشان نشوی) تا آنها هم به نفاق با تو مدارا کنند» (قلم ۸ و ۹) و تأمین امنیت را از اهداف جهاد می‌شمارد: «و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین بر طرف شود و همه را آیین دین خدا باشد.» (بقره ۱۹۳) و شهری که در آن امنیت باشد، از مثل‌های الگوهای قرآنی است: «و خدا بر شما حکایت کرد و مثل آورد (تا گوش کرده و عبرت گیرید) مثل شهری را (چون شهر مکه) که در آن امنیت کامل حکمفرما بود و اهلس در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب، روزی فراوان به آنها می‌رسید.» (نحل ۱۱۲) (۴)

علاوه بر قرآن کریم، احادیث ائمه اطهار (ع) نیز در باب امنیت راهگشا می‌باشند. حضرت علی (ع) تأمین امنیت در جامعه را از انگیزه‌های قیام صالحین و اهداف عالی‌ه امام

می‌داند:

«خدا یا تو می‌دانی آنچه از ما رفت نه به خاطر رغبت در قدرت بود و نه از دنیای ناچیز خواستن زیادت؛ بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین را به جایی که بود، بنشانیم و اصلاح را در شهرهایت ظاهر گردانیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات را ایمنی فراهم آید و حدود ضایع مانده‌ات اجرا گردد.»<sup>(۵)</sup>

و نیز در عهدنامه مالک اشتر، ضمن تأکید بر انعقاد پیمانهای صلح برای تأمین امنیت، پیشگیری از عوامل تهدید کننده امنیت را نشان می‌دهد:

«و از صلحی که دشمن، تو را بدان خواند و رضای خدا در آن بود، روی متاب که آشتی، سربازان تو را آسایش رساند. و از آندوه‌هایت برهاند و شهرهایت ایمن ماند. زنهار! زنهار! از دشمن خود پس از آشتی بپرهیز که بسا دشمن به نزدیکی گراید تا غفلتی یابد و کمین خود بگشاید... پس دوراندیش شو و به راه خوش‌گمانی مرو.»<sup>(۶)</sup>

اصولاً اسلام هر نوع ایجاد وحشت و هراس را در درون انسانهایی که مرتکب خلافی نشده‌اند، ظلم و تجاوزی بس بزرگ تلقی می‌کند. امنیت جان و مال و عمل و حقوق و آزادیهای مربوطه، شخصیت و شرف و حیثیت و مسکن، از تأکیدات اسلام است؛ ضمن اینکه امنیت در اسلام، اختصاص به صالحان و افرادی دارد که مرتکب خلافی نشده و در مسیر انجام وظیفه‌اند و در مقام احترام به قانون هستند. و اما آنها که در مسیر خلافند و یا مرتکب بزه و جرم شده‌اند، به دلیل ماهیت عملکردشان، از حق امنیت محرومند: «آنانکه ایمان به خدا آورده و ایمان خود را به ظلم و ستم نیالودند، در دو عالم ایمنی آنها راست.» (انعام ۸۲)

توجه به آیات و روایات یاد شده می‌رساند که اسلام از یک طرف وجود امنیت را در داخل بلاد اسلامی و حتی در درون فرد مسلمان ضروری می‌داند و از سوی دیگر، به جنبه خارجی امنیت در سرزمین‌های اسلامی توجه دارد و در همین راستاست که مسلمانان را از مداخله و سازش با دشمن بر حذر می‌دارد و در عین حال، به انعقاد پیمانهای صلح عادلانه با دشمن تأکید می‌نماید.

از دیدگاه اسلام، حفظ و تأمین امنیت از وظایف حکومت اسلامی است. به طوری کلی، حضرت علی (ع) وظیفه حکومت را سه چیز اعلام می‌دارد: ۱- اصلاح اهل ۲- عمران بلاد ۳- حفظ ثغور. اصلاح اهل؛ یعنی ترقی و تعالی انسانها و نسلهای آدمی. تکامل استعدادهای نهفته در هر انسان، در زمره این وظیفه می‌باشد. عمران بلاد نیز توسعه و ترقی عمدتاً مادی سرزمین اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد. سومین وظیفه حکومت که در اینجا مورد نظر است، حفظ ثغور یعنی حفظ مرزهای کشور است. با توجه به مضمون روایت فوق، در حقیقت، روابط بین المللی وسیله‌ای در تحکیم و حفظ ثغور سرزمین است و مسؤولین بخشهای دیگر اجرایی در اصلاح اهل و عمران بلاد مسؤولیت خود را باید همگام با برنامه حفظ شئون و ثغور بین المللی کشور اسلامی ایفاء نمایند.<sup>(۷)</sup>

## ۲- رابطه امنیت و سیاست خارجی

مسأله امنیت بدون توجه به مبانی سیاست خارجی در اسلام ناقص خواهد ماند. اعتقاد کلی بر این است که این آیین در همه زمینه‌ها از جمله نظام حکومتی، که خود سیاست خارجی را نیز شامل می‌شود، نظر و برنامه دارد. قبل از پرداختن به اصول سیاست خارجی اسلام، لازم است تا مفهوم «منافع ملی» یا «مصالح جامعه اسلامی» روشن گردد. همان طوری که گفته شد، واژه‌های ملی و ملیت، اصطلاحات نوینی هستند که در عرصه روابط بین الملل ظهور کردند. اسلام دینی است فراگیر، جهانی و همیشگی که برای مرزهای ملی ارزش ذاتی قائل نیست. به همین دلیل، «حفظ منافع ملی» نمی‌تواند به عنوان اصل اولیه سیاست خارجی اسلام ملحوظ گردد. به عبارت دیگر، در عرف بین المللی، مفاهیم مرز، حاکمیت ملی و جمعیت و تابعیت تعاریف خاص خود را دارد که در اسلام برای مفاهیم یاد شده، تعاریف دیگری در نظر است. همچنین شالوده سیاست خارجی در اسلام، بر قواعد الزام‌آور حقوقی در فقه استوار است و فقه برای بنیادهای ملیت، ارزش حقوقی قائل نیست؛ ضمن اینکه اصل حفظ منافع ملی، زیر بنایی ترین و کلی ترین اصل سیاست خارجی عرفی حاکم است. لذا، اصول دیگر تماماً رنگ حفظ منافع ملی را به چهره دارد؛ لکن در فقه سیاسی اسلام اصل دیگری به نام حفظ دارالاسلام حاکم است که اصول دیگر در پرتو آن رنگ می‌گیرد.<sup>(۸)</sup> با این تفسیر، امنیت ملی نیز در اسلام

مفهوم خاصی پیدا کرده. و کلمه امت به جای واژه ملت می‌نشیند و امنیت یک کشور اسلامی به امنیت کل جهان اسلام وابسته می‌گردد. به عبارت دیگر، در برداشت اسلامی، امنیت امت اسلامی به جای امنیت ملی و مصالح جامعه اسلامی، به جای منافع ملی گسترش می‌یابد.

به هر تقدیر، می‌توان مبانی سیاست خارجی در اسلام را در سه اصل کلی زیر خلاصه نمود:<sup>(۹)</sup>

۱- حفظ دارالاسلام در مقابل دارالحرب، دارالکفر و دارالمعاهد: در اسلام تمامی ارتباطات امنیتی - اقتصادی خارجی باید در راستای این اصل تنظیم گردد. مسائلی از قبیل: حسن همجواری، خرید و فروش تسلیحات، تجهیز قوا، جهاد تدافعی، مناسبات سیاسی، تجاری و اقتصادی با دول و سازمانهای دیگر که موجب امنیت و جلب حمایت دیگران و کمک به بشریت در جهت رسیدن به آرامش و همزیستی مسالمت آمیز است، در زیر مجموعه حفظ دارالاسلام جای دارند.

۲- اصل دعوت: اصل دعوت در اسلام به خوبی مؤید طرح تکاملی انسان به سوی حرکت در جهت ایجاد امت واحده جهانی است و به این ترتیب، خواستار برقراری پیوند میان امنیت جامعه اسلامی با جوامع دیگر است. قرآن کریم می‌فرماید: «یا اهل الكتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم». علاوه بر اسلام، تمامی مکاتب دینی و سیاسی دیگر نیز به اصل دعوت اهتمام خاصی دارند. فلسفه وجودی بسیاری از ارتباطات نوین امروزی (رادیوها،...) مبتنی بر اصل دعوت است. در دیدگاه اسلامی، اجتنات از این اصل نه تنها دارالاسلام را با خطر اضمحلال مواجه می‌سازد؛ بلکه عقوبت اخروی نیز در انتظار خواهد بود. این اصل از چنان اهمیتی برخوردار بود که جزء اولین وظیفه اجتماعی هر پیامبری به شمار می‌رفت.

۳- اصل نفی سیل: این اصل مبتنی بر اقتدار اسلام و اعتلای آن بر دیگر مکاتب است. «الاسلام یعلو و لایعلی علیه». به عبارت دیگر، ولایت کفار بر مسلمانان در اسلام جایز و پسندیده نیست. بر طبق این اصل، اگر در معاهده‌ای (اقتصادی - امنیتی) حیثیت دارالاسلام لحاظ نشده باشد، آن معاهده ملغی می‌باشد.

با توجه به مبانی و اصول سیاست خارجی اسلام، مشخص می‌گردد که این مسأله در چارچوب بنیانهای ملی، منطقه‌ای، نژادی یا جغرافیایی محصور نمی‌ماند؛ بلکه رسالتی جهانی و پیام آن برای همه جهانیان است. از نظر اسلام، وضع موجود و حاکم بر سیاست جهانی از قبیل حاکمیت زور و محرومیت ملل مستضعف مردود است. در واقع، هدف نهایی اسلام استقرار کامل ارزشهای الهی در کل جهان است. بر این اساس است که نظام حکومت اسلامی از لحاظ آرمانی باید خود را نسبت به تمام مسلمانان و محرومان جهان متعهد بداند. علاوه بر این دیدگاه آرمانی، فلسفه جهاد در راه اسلام، راهگشای بسیاری از مسائل در سیاست خارجی حکومت اسلامی است. همان طوری که قبلاً دیدیم، امر جهاد تدافعی در زیر مجموعه اصل حفظ دارالاسلام آورده شد؛ بنابراین، مهمترین فلسفه وجودی جهاد در چارچوب این اصل قرار می‌گیرد.

### ۳- رابطه قدرت و امنیت

در مباحث سیاسی و همچنین در عمل، مفهوم امنیت از مفهوم قدرت جدایی‌ناپذیر است. در طول تاریخ، مسأله قدرت ملل همیشه از طریق جنگها مورد آزمون قرار گرفته است. در مکتب اسلام توسل به جنگ و اعمال قدرت فقط برای دفاع از جان، مال، ناموس، مسکن، آزادی، استقلال و مرام سایر افراد ملت جایز است و اقدام به آن، چه در حالت تدافعی و یا در وضعیت آزادی بخش منوط به مفروض بودن تجاوز و هجوم و یا قصد به تهاجم و اقدام خصمانه از سوی دشمن است؛ ضمن اینکه مسأله جهاد و آمادگی برای آن، یکی از وظایف و شؤون اصلی امامت است و انجام آن منوط به اجازه امام است. با ملاحظه این اصل است که اسلام غیر از جهاد، اقسام دیگر جنگها را منسوخ کرده و فقط جنگی را مشروع و صحیح دانسته که در راه خدا و به منظور رفع تعدی و تجاوز و تخطی باشد. پس می‌توان استنباط نمود که دکترین نظامی در اسلام ذاتاً تدافعی است و نه سلطه جویانه و تهاجمی. با این حال، این اصل بدین مفهوم نیست که در حکومت اسلامی به آمادگی قوای نظامی توجه نباید شود.<sup>(۱۰)</sup> در اینجا است که مسأله اهمیت قدرت در اسلام مشخص تر می‌گردد. در اسلام منشأ قدرت و حاکمیت، خداوند است و هیچ قدرتی نیز جز به خواست خدا و از جانب او وجود ندارد. به عبارت دیگر، هیچ صاحب

قدرتی مستقلاً در عالم وجود ندارد و همه قدرتها به موهبت الهی در سلسله مراتب ولایت و حاکمیت پدید می‌آید. بر طبق اعتقادات تشیع، قدرت در حوزه ولایت تشریحی به ولی یا حاکم تفویض می‌گردد و ولی می‌تواند در تمام ابعاد اجتماعی، اعم از سیاسی، نظامی، دینی اعمال قدرت کند. علاوه بر دارنده قدرت، در اسلام، کیفیت و کمیت آن نیز بسیار مهم می‌باشد. در اینجا است که بحث قدرتمندی دولت اسلامی مطرح می‌گردد. تأکیدات اصلی اسلام در زمینه قدرت، عمدتاً شامل خصایص روحی و معنوی قدرت است. ایمان مؤمنین و عمل صالحین و علم مسلمین از مهمترین منابع قدرت در اسلام است. توجه به تاریخ صدر اسلام نیز گویای چنین امری است. در واقع جنگهای پیامبر (ص) نشان می‌داد که قدرت لشکریان مسلمان در صدر اسلام نه در برتری اسلحه‌شان بود و نه در امتیازات سازمان؛ بلکه به برتری اخلاق و روحیه‌شان وابسته بود. تضعیف این روحیه توکل در اواخر دوره حیات پیامبر (ص) بود که خداوند می‌فرماید در حالی که قبلاً هر سرباز اسلام می‌توانست در برابر ده سرباز کفر بجنگد، الآن فقط می‌تواند در برابر دو سرباز آنها استقامت نماید (انفال ۶۵ - ۶۶). به هر تقدیر، اسلام به آمادگی دفاعی و نظامی مسلمین نیز برای حفاظت از امنیت امت اسلامی، تأکید می‌کند. قرآن در آیه‌ای سوره نساء می‌فرماید: «ای اهل ایمان! سلاح جنگ بگیرید و آنگاه دسته دسته یا همه به یکبار متفق برای جهاد بیرون روید.» اسلام با درک واقع بینانه‌اش از تزویر و تمهیدات سلطه‌گرانه حکومت‌های استعماری و خودکامه، بر ضرورت تحکیم و تقویت استعداد و قدرت نظامی مسلمانان تأکید بسیار دارد: «وَاعِدُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَ الْآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ».

توجه به عامل قدرت برای حکومت اسلامی محصور به دیدگاههای قرآنی و ائمه اطهار نیست. متفکران اسلامی نیز در این مسأله غور و بررسی نموده‌اند. از جمله کسانی که شاید بیشتر از همه متفکران مسلمان در باب مسأله قدرت اندیشه کرده‌باشد، ابن خلدون است. وی تا حدی بر خلاف اکثر متفکرین قدیم اسلامی که بیشتر به دنبال تشریح آرمانهای اسلامی بوده‌اند، واقع بینانه‌تر و عینی‌تر با مسائل اسلامی برخورد کرده‌است. شاید این بدلیل روش شناختی خاصی است. که ابن خلدون انتخاب کرده‌بود و آن،



نظریه پردازی بر حسب عینیات علوم اجتماعی بود. به هر تقدیر، در نزد ابن خلدون، دولتی می‌تواند موجب تأمین خود و جامعه خود باشد که اولاً خودکامه باشد و ثانیاً هر نوع اختلالی را در درون نظام، به سادگی از بین ببرد. عصیبت بالای دولت، روحیه جوش و خروش و جهانگیری و غلبه، حمیت جمعی و دفاع مشترک، تعداد زیاد کارگزاران، جمعیت زیاد، وسعت قلمرو و خاک، رفاه و توانگری، رابطه متقابل بین دولت و مردم، کسب آداب و سنن، باج و خراج ستانی دولت و تمدن سازی، از ویژگیهای دولت قدرتمند در نظر ابن خلدون است؛ ضمن اینکه نداشتن عصیبت و روح یادگیری، کمی حد و ثغور، تعارض بین سلطان و دربار در اداره جامعه و نداشتن نیروی نظامی قوی برای مقابله با تهاجمات، از ویژگیهای دولت ضعیف می‌باشد.<sup>(۱۱)</sup>

### ب - بررسی دیدگاه امام خمینی(ره):

دیدگاههای امام(ره) در رابطه با مسائل سیاسی از جمله در مورد مسأله امنیت، در چارچوب اسلام و تفسیر فقهی آن می‌گنجد. بر این اساس چندان نمی‌توان تفاوت مشخصی را میان دیدگاههای اسلامی و امام(ره) جست و جو کرد. فقط مسائل جدیدی وجود دارند که به مقتضای زمانه در اندیشه سیاسی امام(ره) مطرح می‌باشند؛ ضمن اینکه این مسائل نیز حاصل برداشت از منابع سنتی اسلام است. همان طوری که گفته شد بررسی دیدگاههای امام(ره) از آنجایی لازم است که اصول حکومت ج.ا.ا بر گرفته از تفسیری است که ایشان از اسلام می‌نمایند. علاوه بر این تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی و ج.ا.ا بدون در نظر گرفتن رهبری امام(ره) بی مفهوم خواهد بود.

#### ۱ - معادله امنیت نظام یا امنیت امت

بنا به برداشت امام(ره)، نه تنها امنیت مردم مسلمان و امنیت کشور و امنیت حکومت جمهوری اسلامی ایران از هم جدا نبوده؛ بلکه مرتبط با امنیت و منافع دیگر مسلمانان جهان نیز هست. بنابر این دیدگاه، همانند تفسیر اسلام، مفهوم امت جایگزین مفهوم ملت می‌گردد و امنیت ایران به امنیت کل جهان اسلام وابسته می‌شود. البته این دیدگاه، بیانگر آرمانهای امام(ره) است که باید کم کم به سوی آن حرکت نمود. بر طبق همین آرمانها

بود که ایشان معتقد بودند، هر قدرتی که خاستگاهش «دولت - کشور» باشد؛ یعنی صرفاً به عنصر ملیت توجه نماید، الزاماً به تعقیب منافع ملی می پردازد و از نظر تاریخی، همین امر سبب شد تا بخش عمده‌ای از مسائل جهان اسلام در قالبهای ملی، نژادی و منطقه‌ای مطرح شود. ایشان بر این باور بودند که قدرت بر خاسته از این خاستگاه نمی تواند در مقابل قدرت ناشی از بلوک سیاسی و فرهنگی غرب دوام آورد.<sup>(۱۲)</sup> تمایز میان امت و ملت در دیدگاه امام (ره) از لحاظ آرمانی منجر به این نتیجه می شد که ایشان، امنیت مکتب را برتر از امنیت مملکت بدانند: «اگر آمریکا بریزد و ما را از بین ببرد، من به نظرم خیلی چیزی نیست، البته عظیم است؛ اما از او عظیم تر شکست در مکتب است.»<sup>(۱۳)</sup> این تفسیر آرمانی از امنیت، مانع از آن نمی شود که امام (ره) حفظ ج.ا.ا را از اهم واجبات بشناسند: «الآن جمهوری اسلامی یعنی اسلام و این، امانتی است بزرگ که باید از آن حفاظت کنید.»<sup>(۱۴)</sup> و یاد در موردی دیگر می گویند: «اگر ایران شکست بخورد، مستضعفین شکست خورده اند.»<sup>(۱۵)</sup> ایشان می گویند:

«مسأله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می شود و با این نشانه گیری هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می شود؛ از اهم واجبات عقلی و شرعی است... حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی است... از نماز اهمیتش بیشتر است.»<sup>(۱۶)</sup>

مسأله اهمیت حفظ نظام بود که نهایتاً در قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط امام (ره) تأثیر بسزایی داشته است. ایشان در این مورد می گویند:

«و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسأله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم... با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نموده و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم.»<sup>(۱۷)</sup>

## ۲- ابزارهای تأمین امنیت

حفظ نظام از دیدگاه امام(ره) منوط به رعایت بسیاری از مسائل از سوی حکومت اسلامی و مردم است. وحدت داخلی، حضور و پایداری ملت در صحنه، اتحاد در روش و حرکت در کلیت سیاست مورد قبول اسلام، احساس مسئولیت روحانیون، متعادل و بهنگام بودن، تلاش مسلمانان و مستضعفان جهان برای حفظ ج.ا.ا، آمادگی برای دفاع همه جانبه، حفظ نظم و رعایت سلسله مراتب در نیروهای نظامی و انتظامی، وحدت ارتش و سپاه، عدم سوء استفاده از آزادی و جلوگیری از هرج و مرج، جلوگیری از اشاعه تفرقه میان اهل سنت و شیعه، از جمله سفارشات بود که امام(ره) برای حفظ امنیت نظام، مورد تأکید خود قرار می‌دادند. امام(ره) به نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که پس از برپایی ج.ا.ا تأسیس شد، برای تأمین امنیت کشور بسیار تأکید می‌کرد. ایشان در جمع اعضای سپاه شرق تهران می‌گویند: «... شما در این انقلاب اسلامی و در این نهضت اسلامی، سهم بسزایی دارید. شما حفظ امنیت منطقه را کردید...»<sup>(۱۸)</sup> و در سخنرانی دیگری می‌گویند:

«حفظ استقلال و امنیت و بقای جنبه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی هر

کشور، مستقیم یا غیر مستقیم وابسته به قوای انتظامی ارتش، ژاندارمری و شهربانی

آن است و در کشور ماکه در حال انقلاب به سر می‌برد، در کنار قوای انتظامی،

پاسداران انقلاب نیز موجود و به حفاظت انقلابی اشتغال دارند و باید ملت محترم

با تمام قوا کوشش در حفظ این قوای انتظامی و فعال نمایند...»<sup>(۱۹)</sup>

علاوه بر موارد داخلی فوق، سیر نظام به طرف استقلال و خودکفایی نیز از جمله اهداف امام(ره) برای حفاظت از نظام ج.ا.ا می‌باشد. تجربه طولانی امام(ره) در تاریخ سیاسی کشور و ملاحظه نقض حاکمیت ایران توسط قدرتهای بزرگ از طرق مختلف، باعث شده بود تا همواره امام(ره) از نفوذ و سلطه بیگانگان به نظام و بلاد اسلامی واهمه داشته باشند. به همین دلیل، استقلال واقعی نظام از بیگانگان، سهم والایی در تفکرات حکومتی ایشان داشت. مفهوم استقلال در نزد ایشان، در مقابل مفهوم وابستگی قرار داشت و روی پای خود ایستادن از جمله تأکیدات امام(ره) برای حکومت اسلامی بود. ایشان می‌گویند:

«اگر ما مسامحه نکنیم و وابسته به خارج باشیم، این وابستگی اقتصادی به خارج قهراً وابستگی سیاسی می‌آورد؛ قهراً وابستگی اجتماعی می‌آورد و ما همان اسیرها خواهیم بود که بودیم و بر ما همانان حکومت خواهند کرد که کردند.»<sup>(۲۰)</sup>

و در جای دیگر می‌گویند:

«...اگر شما بخواهید استقلال پیدا کنید و آزادی حقیقی پیدا کنید، باید کاری کنید که در همه چیز خودکفا باشید، مستغنی باشید. کشاورز باید کاری کند که دیگر ما احتیاج گندمی به خارج نداشته باشیم. دانشگاهی باید کاری کند که...»<sup>(۲۱)</sup>

رمز استقلال و رفع وابستگی کشور به خارج از دیدگاه امام (ره) در گرو اسلام است: «اسلام است که ما را مستقل می‌کند... اسلام برای ملت ما تمام آزادیها و استقلال را فراهم می‌کند...»<sup>(۲۲)</sup> از دیدگاه امام (ره)، اسلام مهمترین عامل قدرت برای مسلمین است. به این ترتیب، می‌توان گفت که در نزد امام (ره) رابطه میان مسأله قدرت و امنیت نیز یک رابطه مستقیم است. اما همانند برداشت اسلامی در نزد امام (ره) این قدرت بیشتر دارای جنبه‌های معنوی است. امام (ره) به رغم اینکه روی مسائل نظامی - دفاعی نظام، به عنوان عوامل تأمین کننده نظم و امنیت تأکید دارند؛ ولی در کل همانند دیدگاه اسلامی، قدرت حقیقی در نزد ایشان از آن خدا و اسلام است. به همین خاطر است که رجوع به این منابع قدرت از تأکیدات مکرر ایشان است: «رهایی مسلمین در گرو بازگشت به قرآن است.»<sup>(۲۳)</sup>؛ «شما ملت شجاع ثابت کرده‌اید که این تانکها و مسلسلها و سر نیزه‌ها زنگ زده است و با اراده آهنین ملت نمی‌تواند مقابله کند.»<sup>(۲۴)</sup> در جایی در خصوص بیگانگان شرق و غرب می‌گوید:

«اشتباهشان در همین است که خیال می‌کنند زیادی جمعیت و زیادی اسلحه، کار انجام می‌دهد و نمی‌دانند که آن چیزی که کار انجام می‌دهد، بازوی قوی افراد است. افراد کم با بازوان قوی و قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به شهادت و عشق به لقاء الله، اینهاست که پیروزی می‌آورد. پیروزی را شمشیر نمی‌آورد، پیروزی را خون می‌آورد.»<sup>(۲۵)</sup>

در واقع تأکیدات امام(ره) روی مسائلی چون: آگاهی ملتها، وحدت کلمه، ارجحیت حیات روحانی و مذهبی بر حیات مادی و دنیوی، اصلاح و استقلال فرهنگی و روحیه ایمانی نشان از نقش برتر عوامل معنوی قدرت بر عوامل مادی آن در دیدگاههای ایشان دارد.

### ۳- بسط امنیت نظام به امنیت جهان اسلام

تا اینجا مشخص شد که بر طبق نظر امام(ره) حفظ امنیت نظام ج.ا.ا بر مسائل دیگر ترجیح داشته و هیچ موضوعی برتر از آن قرار ندارد. در واقع به نظر ایشان، در حال حاضر نظام ج.ا.ا قلب جهان اسلام است و کار خون دهی و تغذیه امت مسلمان را بر عهده دارد و اگر این قلب از کار بیفتد، کل بدنه جهان اسلام در خطر مرگ قرار خواهد گرفت. با همه تأکیدی که امام(ره) روی اصل حفظ نظام ج.ا.ا می‌کنند؛ اما این مسأله مانع از طرح ارتباط میان امنیت ایران با امنیت جهان اسلام نمی‌شود. اگر اعتقاد به حفظ نظام ج.ا.ا را در قالب اصل اسلامی «حفظ دارالاسلام» قرار بدهیم، اصل دفاع از مسلمانان و مستضعفین جهان و دعوت آنها به اسلام حقیقی و قیام علیه حکومتها که در قالب کلی «صدور انقلاب» جای می‌گیرند و همچنین سیاست نه شرعی و نه غربی امام(ره) را باید به ترتیب در راستای پیروی و اجرای اصول «دعوت» و «نفی سبیل» که به عنوان اصول سیاست خارجی اسلام مطرح می‌باشند، بدانیم. نگاه وسیع امام(ره) در همه زمینه‌ها از جمله در زمینه دفاع از محرومان و مستضعفان و فقر ستیزی و برقراری عدالت اجتماعی، به طور طبیعی ایجاب می‌کند که ایشان این مسأله را بسیار فراتر از داخل مرزهای ایران و حتی فراتر از جهان اسلام مطرح کنند. ایشان معتقدند راهی که انتخاب کرده‌اند «آن روز به کمال می‌رسد که مستضعفین جهان از زیر بار مستکبرین خارج بشوند.»<sup>(۲۶)</sup> امام(ره) در این زمینه تا آنجا پیش می‌روند که تشکیل جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی (وسیعترا از جهان اسلام) برای سروری یا برهنگان جهان را توصیه نموده و ضمن معرفی ج.ا.ا به عنوان پناهگاه همیشگی مسلمانان جهان، آمادگی این نظام اسلامی را برای تأمین نیازهای سربازان اسلام اعلام می‌نمایند.<sup>(۲۷)</sup>

اعلام آشکار حمایت همه جانبه از نهضت‌های آزادی بخش به عنوان مصادیق بارز

مستضعفین جهان تاریخه کن شدن کفر و رسیدن آنها به حقوق حقه خود<sup>(۲۸)</sup>، هر چند بر اساس معیارهای رایج در سیاست خارجی کشور اقدامی غیر عادی است؛ ولی امام (ره) بارها به این نکته پافشاری کردند و آن را به عنوان سیاست اصولی نظام جمهوری اسلامی مطرح نمودند و مهمتر آنکه، دعوت از مسلمانان برای پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان را اقدامی لازم می دانستند:

«من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروزی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکنند و جلو جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرند. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم.»<sup>(۲۹)</sup>

امام (ره) در رابطه با صدور انقلاب می گویند:

«ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین المللی اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان خواران بوده هستیم، حال اگر نوکران آمریکانام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری بزرگ می گذارند از آن باکی نداریم و استقبال می کنیم. ... ما در صدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ نظامی راکه بر این سه پایه استوار گردیده اند، نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله (ص) را در جهان استکبار ترویج نماییم و دیر یا زود ملت های آینده شاهد آن خواهند بود.»<sup>(۳۰)</sup>

سیاست نه شرقی و نه غربی امام (ره) نیز کاملاً در جمله فوق نهفته است. در این رابطه امام (ره) همچنین می گویند: «ما مسلمانیم و شرق و غرب برایمان مطرح نیست. دولت اسلامی ما آزاد و مستقل خواهد بود. ما نه به سوی غرب و نه به طرف شرق گرایش

نخواهیم داشت و می‌خواهیم یک جمهوری بی‌طرف و غیر متعهد باشیم.»<sup>(۳۱)</sup>

به این ترتیب، روشن‌گردید که دیدگاه‌های امام(ره) در خصوص امنیت، دارای دو ویژگی کاملاً جدای از هم می‌باشد؛ از یک طرف، از جنبه آرمانی امنیت جهان اسلام و امت مسلمان برای امام(ره) بیش از هر چیز دیگر مهم می‌باشد و همانند دیدگاه‌های کلی اسلامی در جست و جوی درنوردیدن مرزهای ملی است و در این راه، مخالفت با جهان غیر مسلمان و زورگو کاملاً شبیه الگوهای انقلابی صدر اسلام است و کمتر با مرام‌های دیپلماتیک فعلی سازگاری دارد و از سوی دیگر، حفظ نظام ج.ا.ا از اهم واجبات تلقی می‌شود. البته حفاظت از این نظام نیز در راستای حفاظت کلی امت اسلامی است و بیشتر دارای ماهیت ایدئولوژیکی و مکتبی است تا ملی؛ چراکه بر طبق نظریات آرمانی امام(ره) مرزهای ملی ارزش خاصی ندارند و وحدت جهان اسلام، مقصد نهایی وی در ایده‌آلهای سیاست خارجی است. به این ترتیب، مفهوم «امنیت ملی» به معنای خاص کلمه در نظریات امام(ره) چندان رنگی ندارد و به جای آن، امنیت نظام و جهان اسلام در اولویت خاصی قرار دارد.

### خلاصه و نتیجه‌گیری:

برای فهم بیشتر و رسیدن به نتایج بهتر، در اینجا لازم می‌دانیم تا میان مباحث گذشته و برداشتهای مختلف از امنیت ملی، مقایسه مختصری انجام دهیم. در رابطه با مفهوم امنیت ملی، تا به حال برداشتهای متفاوتی شده است. به طور کلی می‌توان سه برداشت مختلف از این مفهوم را در روابط بین‌الملل برشمرد:

۱- رئالیستی؛

۲- ایده‌آلیستی؛

۳- انترناسیونالیستی.<sup>(۳۲)</sup> در برداشت «رئالیستی»، واحد «دولت - ملت» به عنوان یک

اصل در نظر گرفته می‌شود و صحنه روابط بین‌الملل چیزی جز رقابت میان واحدهای مختلف برای تأمین امنیت و پیشبرد منافع ملی نمی‌باشد. در این مفهوم، دولت‌ها چاره‌ای جز تلاش برای بر خورداری بیشتر از قدرت و توانایی ملی در برابر رقیبان ندارند؛ لذا

رابطه میان «امنیت و قدرت» رابطه‌ای همیشگی و مستقیم است. در این معادله، امنیت یکی، ناامنی دیگری و برعکس، ناامنی یکی، امنیت دیگری تلقی می‌شود. در برداشت «ایده آلیستی» که متأثر از اندیشه‌های کانت می‌باشد، امنیت ملی «نه توانایی یک ملت»؛ بلکه «نبود تهدید و وجود تأمین» تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، در اینجا، امنیت ملی به فقدان ترس از به خطر افتادن ارزشهای حیاتی معنا می‌گردد. طرفداران این برداشت، خواهان ایجاد جامعه‌ای جهانی هستند که در آن، همکاری برای تحقیق آرمانهای مشترک بشری، جای رقابتها را می‌گیرد. بر حسب این دیدگاه، افراد جامعه بشری به جای دولت‌های ملی، به عنوان یک اصل در روابط بین الملل نقش بازی می‌کنند و مرزبندی‌های ملی، غیر واقعی و اعتباری می‌باشند. لذا امنیت تنها در شرایط ایجاد یک جامعه جهانی قابل تصور است.

نهایتاً در مورد برداشت «انترناسیونالیستی» از امنیت ملی، باید گفت که این برداشت، امنیت را تنها با وجود همکاری میان واحدهای ملی امکان‌پذیر می‌داند. طرفداران این نظریه، دولت‌ها را به عنوان بازیگران عمده بین المللی می‌پذیرند؛ ولی به رقابت دائمی بین آنها قایل نیستند. دولت‌ها به رغم آنکه منافع متعارض دارند، منافع مشترک نیز دارند که آنها را مجبور به همکاری با یکدیگر می‌کند. در این برداشت، گسترش همکاریها از طریق ایجاد نهادهای بین المللی سبب کاهش رقابتها می‌شود و تهدیدهای امنیتی را از بین می‌برد.

با توجه به توضیح مختصر فوق، بهتر می‌توان به نتایجی در خصوص مباحث این مقاله دست یافت. با نگاه به بحث امنیت در اسلام و اندیشه امام و مقایسه اجمالی آن با سه برداشت یاد شده، می‌توان گفت که مفهوم امنیت در اندیشه سیاسی اسلام و همچنین امام، به طور کامل، در هیچ کدام از برداشتهای یاد شده جای نمی‌گیرد، ولی در عین حال اشتراکاتی با برخی از آنها دارد. همان طوری که قبلاً ذکر شد، نمی‌توان معنای خاص امنیت ملی را در اندیشه سیاسی اسلام و امام جست و جو نمود. این معنای خاص؛ بخصوص در برداشت رئالیستی از امنیت ملی متبلور شده است؛ به این معنا که امنیت ملی کارکردی ویژه در رابطه با مفهوم واحد «دولت - ملت» دارد. البته در دهه‌های اخیر



مباحثی چون حفظ زیست، مسأله حقوق بشر و... تا حدی باعث شده که این مفهوم صرفاً به تنگ نظری‌های گذشته خود قانع نباشد و از این جهت تا حد ارتباط همه جانبه با امنیت بین الملل بسط نماید. با این وصف، هنوز واحدهای ملی بیش از هر چیز در تأمین انحصاری امنیت و منافع ملی خود می‌باشند و در تعقیب سیاست امنیت بین المللی خود نیز حتی الامکان منافع خاص خود را پی‌گیری می‌نمایند.

برخلاف برداشت رئالیستی، در اندیشه سیاسی اسلام، مفهوم امت جایگزین مفهوم ملت می‌گردد. لذا مفاهیمی چون منافع ملی که در تضاد با وحدت‌طلبی امت می‌باشد، چندان اعتباری ندارند و به جای آن، مصالح جامعه اسلامی و امنیت امت اسلامی اهمیت پیدا می‌کنند. در اندیشه سیاسی امام نیز میان امنیت امت و امنیت نظام، معادله پیچیده‌ای وجود دارد. به نظر می‌آید حداقل در سالهای اول انقلاب، این امنیت امت بود که بر امنیت نظام اولویت داشت. بعداً با شروع جنگ تحمیلی و به خطر افتادن کیان نظام اسلامی، مسأله امنیت نظام در نظر امام به عنوان اولویت اصلی مطرح می‌گردد.<sup>(۳۳)</sup> علاوه بر این، در تحلیل دیدگاه امام نمی‌توان به طور شفاف میان امنیت ملی و امنیت نظام ارتباط برقرار نمود. به این معنا که هنوز این سؤال باقی است که آیا در نظر امام، امنیت نظام همان است که در متون روابط بین الملل به امنیت ملی تعبیر می‌گردد؟ به نظر می‌آید، تعبیر امام از امنیت نظام، بیشتر دارای صبغه ایدئولوژیکی باشد و این باعث می‌شود تا نتوان آن را کاملاً مترادف با مفهوم رایج امنیت ملی دانست.

از جهت آرمان‌گرایی، می‌توان گفت برداشت اسلام از امنیت تا حدی شبیه به برداشت ایده آلیستی است. اسلام هم افراد بشری را دارای ریشه واحدی می‌داند که باید در مسیر واحدی نیز هدایت گردند. همچنین این آیین نیز مرزبندی‌های ملی را غیر واقعی و اعتباری می‌داند و برای آن اهمیت ذاتی قائل نیست. اصل دعوت در سیاست خارجی اسلام در مقایسه با این برداشت، می‌تواند قابل طرح باشد. با این وصف، نگاه اسلام به تحقق جامعه مشترک بشری، یک نگاه کاملاً دینی است و مبنای آن، حرکت به سمت همه جایی شدن اسلام است؛ بر خلاف طرفداران برداشت ایده آلیستی که عموماً خواهان ایجاد جامعه مشترک بشری بر مبنای اصول جهانی حقوق بشر می‌باشند. در

---

اسلام همان طوری که قبلاً ذکر شد، اهمیت اساسی در امنیت امت مسلمان می باشد و این امنیت می تواند حتی تا زمان رسیدن به جامعه مشترک جهانی نیز به عنوان هدف اساسی در سیاست خارجی دنبال گردد. در برداشت امام نیز دیده شد که حداقل در میان کشورهای مسلمان مرزبندی های ملی چندان اعتباری ندارند و آنچه که اصل است همان، مفهوم امت اسلامی می باشد.

شاید بتوان بیشترین موارد تشابه را در جایگاه امنیت، میان اسلام و برداشت انترناسیونالیستی یافت؛ برداشتی که معتقد به همکاری در میان کشورها است. در اینجا دو اصل حفظ دارالاسلام و اصل نفی سبیل در سیاست خارجی اسلام می تواند مورد دقت قرار گیرد. تلاش برای حفاظت از مملکت اسلامی در ارتباطات مختلف خارجی و همچنین جلوگیری از تسلط بیگانگان بر بلاد اسلامی، می تواند مبنای همکاری با دول دیگر قرار گیرد. در دیدگاه امام نیز مسایلی چون وحدت جهان اسلام، ترغیب سران دولتهای بزرگ به توجه به اسلام (دعوت امام از گورباچف به شناخت بیشتر از اسلام) می تواند مبنای این همکاری قرار گیرد. با وجود این با توجه به اینکه امام در راستای استقرار نظام ج.ا.ا کاملاً خودشان را رویاروی امپریالیسم می دیدند، کمتر در زمینه همکاری همه جانبه با دول دیگر اندیشه می کرد و بیشتر به چگونگی وحدت و ارتباط با امت اسلامی و ملل مستضعف جهان فکر می نمود.

### پی نوشتها:

- ۱ - رضا نظر آهاری، «نقش و اهمیت سیاسی اسلام در روابط بین الملل»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۱۱۳-۱۱۴، (بهمن و اسفند ۱۳۷۵)، صص ۴۸-۵۳.
- ۲ - برای مطالعه در زمینه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران رجوع شود به: پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده تحت عنوان: سید حسین ولی پور زرومی، سمیر تحول در مقوله و ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به راهنمایی دکتر محمود سریع القلم، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
- ۳ - برای مطالعه در زمینه تحول در مفهوم امنیت ملی می توان به این منابع رجوع کرد:  
 - Teodere.C,Serensen, 'Rethinking national security', foreign Affairs, (Summer 1990).  
 - Jessic, Tuchman mathews, 'Redefining security', foreign Affairs, (Spring 1989).  
 - Unesco, Non-Military Aspects of international security, paris, unesco publishing, 1995.
- ۴ - ترجمه آیات قرآن کریم از ترجمه قرآن مرحوم الهی قمشه ای می باشد. اصل آیات اغلب از این منبع استخراج شده است: عباسعلی عمید زنجانی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، مؤسسه فرهنگی اندیشه، تهران، [بی تا].
- ۵ - نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱، ترجمه سید جعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۲۹.
- ۶ - نهج البلاغه، نامه شماره ۵۳، همان، ص ۳۳۸.
- ۷ - علی شمس اردکانی، ملاحظه ای درباره امنیت ملی، مجله سیاست خارجی، سال اول، شماره ۱، (دی و اسفند ۱۳۶۵)، ص ۹۸.
- ۸ - سید علی قادری، طرح تحقیق مبانی سیاست خارجی در اسلام، مجله سیاست خارجی، سال اول، شماره ۲، (فروردین و خرداد ۱۳۶۶)، صص ۲۲۵-۲۲۶.
- ۹ - همان، صص ۲۰۹-۲۲۶.
- ۱۰ - علی اصغر کاظمی، نقش قدرت در روابط بین الملل، نشر قومس، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۲۳-۱۲۴.

- ۱۱- تقی آزادارمکی، اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۴، صص ۳۱۷-۳۲۲.
- ۱۲- فیروز دولت آبادی، شکست یا پیروزی، بحثی پیرامون رابطه جمهوری اسلامی ایران با جهان اسلام، مجله سیاست خارجی، سال دهم، شماره ۱، (بهار ۱۳۷۵)، صص ۲۴۷-۲۶۳.
- ۱۳- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۹۸.
- ۱۴- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۵۰.
- ۱۵- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۲۶.
- ۱۶- همان.
- ۱۷- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، صص ۲۳۸-۲۳۹.
- ۱۸- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۶، ص ۵.
- ۱۹- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۸، ص ۹۲.
- ۲۰- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۴۰-۴۱.
- ۲۱- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۰۶.
- ۲۲- همان.
- ۲۳- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۵۳.
- ۲۴- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۳، ص ۴۴.
- ۲۵- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۶۹-۷۰.
- ۲۶- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۵۱.
- ۲۷- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۸.
- ۲۸- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۹۱.
- ۲۹- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۸.
- ۳۰- همان.
- ۳۱- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۰۲. (لازم به یادآوری است که مطالب صحیفه نور در موضوعات مختلف توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره) به صورت خام استخراج شده است. از این جهت از همکاری آن مؤسسه تشکر می‌نمایم.)
- ۳۲- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: ح. قاسمی، برداشتهای متفاوت از امنیت ملی، مجله سیاست دفاعی، سال اول، ش ۲، (بهار ۱۳۷۲)، صص ۵۳-۶۸.
- ۳۳- برای مطالعه در زمینه ادوار مختلف امنیت ملی در ج.ا.ا رجوع شود به: مقاله نگارنده تحت عنوان، سید حسین ولی پور زرومی، گفت‌وگوهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، پیش شماره دوم (تابستان ۱۳۷۷) صص ۶۱-۸۲.

